

امام رضا علیه السلام و تعامل با فرقه‌های اسلامی در عصر ولایتعهدی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری *

مقدمه

رابطه امام رضا علیه السلام با پیروان فرقه‌های اسلامی به‌ویژه در دوران ولایتعهدی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این را می‌توان از مناظره‌های آن حضرت به دست آورد. نوع برخورد با آنان، اخلاق مناظره، چگونگی استناد به منابع، ارائه مستندات و توجه به روحیه مخاطبان از نکاتی هستند که در گفتگو و مناظره‌های آن حضرت از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. این نوشتار به دنبال پاسخ به این پرسش است که مناظره‌های حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام با پیروان فرقه‌های اسلامی در دوره ولایتعهدی چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش و به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع تاریخی و روایی می‌توان گفت آن امام همام با تکیه بر اصول مشترک مانند استناد به آیات قرآن کریم و بهره‌گیری از سیره نبوی و استدلال‌های عقلی و با تکیه بر اخلاق اسلامی به پرسش‌ها و شبهات مطرح شده، پاسخ داده‌اند و در تصحیح باورهای نادرست افراد کوشیدند و مطالب درست را به مخاطبان منتقل می‌کردند.

یکی از مهم‌ترین نکات دوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام تعامل آن حضرت با فرقه‌های اسلامی در دوران ولایتعهدی بود. نوع برخورد با پیروان فرقه‌های مختلف، چگونگی احتجاج با آنان و استنادات به‌کار گرفته‌شده توسط آن حضرت، نیز اخلاق مناظره و گفتگو از مسائلی است که می‌توانند در دوران کنونی برای جامعه راهکار مناسبی باشند. برای تبیین این نکته باید زمانه آن حضرت و اوضاع فرهنگی سیاسی آن دوران را بشناسیم؛ سپس اقدامات آن حضرت را متناسب با آن تحلیل کنیم.

* دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تعامل فرهنگی در عصر امام رضا علیه السلام

دوران امامت امام رضا علیه السلام از جهت سیاسی هم‌زمان با شکل‌گیری اختلاف میان خاندان عباسی بر سر جانشینی هارون الرشید بود. بعد از درگیری میان امین و مأمون و کشته‌شدن امین با همکاری برخی کارگزاران حکومت مانند فضل بن سهل و طاهر بن حسین، مأمون قدرت را به دست گرفت. او که پرورش‌یافته مکتب اعتزالی بغداد بود، علاقه زیادی به مناظرات نشان می‌داد. او که به دلیل کشتن برادرش و نیز انتقال مرکز خلافت از بغداد به خراسان با مشکلات متعددی روبرو شده بود، برای تثبیت حکومت خود و کاستن از دشمنی‌های موجود علیه خود، امام رضا علیه السلام را ولی عهد معرفی کرد.

عصر ولایتعهدی حضرت رضا علیه السلام از جهت فرهنگی دوران اوج‌گیری فعالیت معتزله بود. معتزلیان که از جریان‌های عقل‌گرا بودند، هرگاه استدلال‌های عقلی آنان با ظواهر آیات و روایات هم‌خوانی نداشت، بیشتر به تأویل ظواهر آیات و روایت‌ها دست می‌زدند. مأمون خود پرورش‌یافته این مکتب فکری بود و عصر حاکمیت او دوره باورهای کلامی و اعتقادی با سیاست و حکومت پیوند خورده و دوران ویژه‌ای را شکل داده بود؛ به گونه‌ای که بسیاری از مخالفان باورهای مذهبی معتزله مانند مخالفان خلق قرآن به شدت مورد آزار حکومت قرار می‌گرفتند.

گروه دیگری که در برابر معتزله قرار داشتند، اهل حدیث بودند؛ اینان به ظواهر احادیث بسنده کرده و با به‌کارگیری استدلال‌های عقلی در باورهای کلامی و معارف دینی به شدت مخالف بودند. این طیف بدون توجه به آسیب‌هایی که در طول تاریخ بر احادیث اسلامی وارد شده است؛ به‌ویژه جریان جعل حدیث و حتی بدون عرضه روایات بر قرآن، آنان را به عنوان سنت نبوی پذیرفته بودند؛ در نتیجه منجر به پیدایش انحرافات در جامعه گردید که از مهم‌ترین آنها می‌توان به شبهه و مجسمه اشاره کرد.

امام رضا علیه السلام در دوران ولایتعهدی بر اساس سیره اخلاقی و علمی با این گروه‌ها مناظراتی داشتند که ضمن رعایت اخلاق، با استناد به اصول مشترک و مقبول مسلمانان مانند قرآن و سیره نبوی با آنان به مناظره برخاسته و به پرسش‌ها و شبهات آنان پاسخ می‌دادند.

الف) رعایت اخلاق

اخلاق‌مداری یکی از مهم‌ترین اصول در روابط حضرت رضا علیه السلام به‌ویژه در مناظرات است که

ایشان به شدت بدان پایبند بودند. چنان‌که برخی گزارش کرده‌اند آن حضرت حتی در حد یک کلمه به کسی ستم نکردند و هرگز دیده نشد آن حضرت سخن کسی را قطع کنند. ابراهیم بن عباس گزارش کرده است: «مَا رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام جَفَا أَحَدًا بِكَلِمَةٍ قَطُّ وَلَا رَأَيْتُهُ قَطَعَ عَلَيَّ أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَقْرَعَ مِنْهُ»^۱ ندیدم ابوالحسن علیه السلام به هیچ کس حتی به اندازه یک کلمه ستم کند و کلام کسی را قطع کند.

حتی گاه دیگران را نیز از قطع کلام طرف گفتگو با خود منع می‌کردند؛ چنان‌که در مناظره با سلیمان مروزی (د ۲۵۲ق) هنگامی که مأمون با دیدن اشتباهات او و اصرار بر ادامه تناقض‌گویی‌هایش، با تندی به او دستور داد تا دست از تکرار سخن اشتباه خود بردارد؛ امام رضا علیه السلام او را به آرامش دعوت کرده و سپس از سلیمان خواستند تا سخنش را ادامه دهد.^۲

رعایت اخلاق در مناظره به اندازه‌ای اهمیت دارد که امام رضا علیه السلام طرف مقابل خود را نیز بدان توصیه می‌کردند؛ چنان‌که در مناظره با سلیمان مروزی بدو فرمود هرچه می‌خواهی پیرس؛ ولی خوب گوش فراده و پا را از جاده انصاف فراتر مگذار.^۳ هنگامی که سلیمان مروزی در جایگاه متکلم برجسته خراسان با آن حضرت مناظره کرد و مغلوب و شرم‌منده شد، مورد خنده حضار قرار گرفت. امام رضا علیه السلام خطاب به حاضران آنها را به نرم‌خویی و رعایت حال او فراخوانده و فرمودند با متکلم خراسان مدارا کنید.^۴

به کارم گیر افتاده، خودت مشکل‌گشایی کن در این دریای طوفانی دوباره ناخدایی کن
اجابت با دعای توسل، عنایت در عطای توسل کرامت با دعای توسل، دعایی کن دعایی کن^۵

ب) تصحیح باورها و برداشت‌های نادرست

یکی از مشکلات مسلمانان، برداشت‌های نادرست از آیات و روایات است که ممکن است پیامدهای نادرستی همانند باورها و اعتقادات ناروا به همراه داشته باشد. دوران امام رضا علیه السلام برخی از این باورهای ناصواب میان مسلمانان شکل گرفته بود که گاه در گفتگو و مناظره افراد با آن حضرت نیز خود را نشان می‌داد. امام علیه السلام با سعه صدر و گشاده‌رویی به گفتگوها گوش می‌داد

۱. محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۸۸.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۸۳؛ همو، الخصال، ج ۱، ص ۱۹۲.

۵. شعر از محمد میلانی (شاکر).

و سپس باورهای آنان را تصحیح نموده و عقیده درست را بیان می‌کردند. گروهی از دانشمندان مسلمان با استناد به آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا...»^۱ آن را بر همه مسلمانان اطلاق می‌کردند و مقصود آن را همه امت می‌دانستند و «اهل الذکر» در آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۲ را یهود و نصارا می‌دانستند. امام رضا علیه السلام با استناد به آیات قرآن و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله مصداق هر دورا اهل بیت علیهم السلام معرفی کردند.^۳

همچنین در ماجرای دیگری، مأمون در مجلسی که دانشمندان عراق و خراسان حضور داشتند، از معنای آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا...»^۴ پرسید. دانشمندان حاضر گفتند مقصود از بندگان برگزیده، همه امت رسول الله صلی الله علیه و آله هستند؛ اما حضرت رضا علیه السلام ضمن رد این سخن حاضران، فرمودند مقصود خدای متعال از بندگان برگزیده، فقط عترت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. امام علیه السلام در پاسخ مأمون از علت این سخن فرمود: اگر مراد همه امت باشد، باید همگی به بهشت بروند؛ چون خداوند در ادامه همه را اهل بهشت قرار داده و می‌فرماید: «جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا...»^۵؛ پس این وراثت مخصوص خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است که خداوند آنها را در قرآن اینگونه توصیف کرده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۶ و همان‌ها کسانی هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آنان فرمود: «إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي...»^۷.

امام رضا علیه السلام با استدلال به آیات قرآن و سیره نبوی برای حاضران ثابت کردند مراد خدای متعال از آیه مذکور خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است. در ادامه مأمون از علت برتری خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید و امام رضا علیه السلام با استناد به آیات متعددی از قرآن کریم به او و دیگر حاضران این نکته را ثابت کردند.^۸

درباره آیه بعد که اهل ذکر را یهود و نصارا می‌دانستند؛ امام علیه السلام ابتدا فرمودند آیا چنین چیزی درست است؛ درحالی که آنان ما را به دین خود دعوت می‌کنند و می‌گویند دین‌شان برتر است؟

۱. فاطر: ۳۲.

۲. نحل: ۴۳.

۳. محمد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۹.

۴. فاطر: ۳۲.

۵. فاطر: ۳۰.

۶. احزاب: ۳۳.

۷. ابو محمد حسین بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۴۹.

۸. همان، ص ۴۵۰ - ۴۶۰.

در ادامه و در پاسخ به خواسته مأمون که گفت یا ابالحسن آیا نظر شما چیزی خلاف گفته اینان است؟ امام رضا علیه السلام با استناد به آیه شریفه «... فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مَبِينَاتٍ...»^۱ فرمود: مراد از ذکر، رسول خدا صلی الله علیه و آله و ما اهل اویسیم.^۲

بدین‌سان امام رضا علیه السلام برداشت نادرست آنان از آیات قرآن کریم را اصلاح کردند.

ج) استدلال به اصول مشترک

یکی از مهم‌ترین نکات در تعامل امام رضا علیه السلام با گروه‌های مختلف، استدلال و استناد به اموری بود که آنان پذیرفته بودند یا مشترک میان همه گروه‌های حاضر بود. این رویه در واقع پیروی از سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در ابتدای دوران حکومت‌شان در مدینه، براساس کتاب خدا، اهل کتاب را به امور مشترک میان اسلام و آنان دعوت کرد که همان پرستش خدای یکتا و دوری از شرک بود: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا...»^۳.

بر همین اساس حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در گفتگو و مناظره‌های خود با پیروان فرقه‌های اسلامی به‌ویژه در دوران ولایتعهدی بر اصول مشترک میان همه مسلمانان تأکید داشتند. ایشان در مناظره‌ها و گفتگوهای مختلف با استناد به آیات کتاب خدا و سیره و سنت نبوی صلی الله علیه و آله که از جایگاه ویژه‌ای نزد مسلمانان برخوردار بودند، در برابر مخالفان احتجاج می‌کردند و آنها به تعامل با یکدیگر فرا می‌خواندند.

مناظره امام رضا علیه السلام با ابوقرّه گفتگویی علمی است درباره جسم‌بودن یا نبودن خدا و پاسخ امام علیه السلام مستند به آیات قرآن بود که وجه مشترک میان همه مذاهب اسلامی است. امام رضا علیه السلام با استدلال‌های عقلی و نقلی و تأکید بر آیات قرآن، پاسخ او را دادند؛ به گونه‌ای که ابوقرّه از پاسخ‌های امام و علم و دانش آن حضرت متحیر شد و مجلس را ترک کرد.^۴ یکی از مهم‌ترین پرسش‌های ابوقرّه درباره روایتی بود که دیدار و هم‌سخنی با خداوند را میان حضرت موسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله تقسیم کرد و گفتگو را به موسی علیه السلام و دیدار را به پیامبر خاتم اختصاص داده

۱. طلاق: ۱۰-۱۱.

۲. ابومحمد حسین بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۳۵.

۳. آل عمران: ۶۴.

۴. فضل بن حسن طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۰۶-۴۰۸.

است. امام رضا علیه السلام فرمود آیا کسی که این سخن خداوند و آیات را که می فرمایند: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ»،^۱ «لَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا»^۲ و «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»^۳ ابلاغ کرد، کسی غیر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود؟ ابوقرة گفت بله او بود. امام فرمود: چگونه ممکن است فردی از جانب خداوند آمده و به فرمان همان خدا مردم را به سوی او فراخواند و بگوید: چشم‌ها او را نمی بینند و دانش انسان‌ها بر او احاطه ندارد و هیچ چیز همانند او نیست؛ بعد همین شخص بگوید من او را می بینم و بر او احاطه علمی دارم؟ آیا حیا نمی کنید؟ حتی زنادقه هم نتوانستند چنین چیزی را به او نسبت دهند.^۴ امام در پاسخ ابوقرة که با اصرار بر باور خویش از امام پرسید پس شما روایات را انکار می کنید؟ فرمود هر روایت مخالف قرآن را انکار می کنیم و آنچه مسلمانان بر آن اجماع دارند این است که «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ»^۵ و «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»^۶. این سخن امام رضا علیه السلام درباره آنچه مخالف کلام خدا باشد را انکار می کنیم نیز با تکیه بر سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه پیشین بود که فرمود هر چه از ما شنیدید که مخالف قرآن بود، آن را رها کنید.^۷ اینگونه امام علیه السلام در برابر چنین فردی با استناد به آیات قرآن پاسخ او را دادند.^۸

سلیمان مروزی در حضور مأمون درباره بدهاء از امام رضا علیه السلام پرسید؛ به گونه‌ای که از سؤال او بوی انکار به مشام می رسید. امام علیه السلام با استدلال به آیات متعدد از قرآن کریم مانند «يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ»،^۹ «يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ»^{۱۰} و «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ»^{۱۱} و مانند اینها پاسخ او را دادند. در ادامه امام رضا علیه السلام به خواست سلیمان نمونه‌ای از سیره نبوی صلی الله علیه و آله را هم برای اثبات سخن خود بیان کردند. آن حضرت با اشاره به جریانی در تاریخ اسلام، به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله استناد کردند که خداوند به یکی از پیامبران خود درباره پایان عمر یکی از پادشاهان خبر داد و او

۱. انعام: ۱۰۳.

۲. طه: ۱۱۰.

۳. شوری: ۱۱.

۴. فضل بن حسن طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۰۷.

۵. انعام: ۱۰۳.

۶. شوری: ۱۱.

۷. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۲۷۵.

۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۴۰.

۹. روم: ۱۱.

۱۰. فاطر: ۱.

۱۱. رعد: ۴۱.

با شنیدن این خبر به درگاه خداوند دعا کرد تا به او مهلت دهد تا فرزندش را بزرگ کند و خداوند نیز به او مهلت داد و به همان پیامبر اطلاع داد پانزده سال بر عمر او افزوده است.^۱ استدلال امام رضا علیه السلام و استناد به قرآن و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به گونه‌ای بود که سلیمان مروزی بعد از آن اعلام کرد دیگر هرگز بداء را انکار نخواهم کرد.^۲

د) به‌کارگیری استدلال‌های عقلی

یکی از مهم‌ترین راهکارهای امام رضا علیه السلام در برابر صاحبان اندیشه و در مناظره با پیروان فرقه‌های اسلامی، به‌کارگیری استدلال‌های عقلی بود. ایشان در برابر کسانی که قرآن را قدیم می‌دانستند، افزون بر نکات مختلفی که طرح کردند، دلیل عقلی نیز ارائه کردند؛ بدین ترتیب که لازمه پذیرش قدیم‌بودن قرآن، تعدد قدماست و این محال است.^۳

ه) مبارزه با اخبار جعلی و اسرائیلیات

یکی از مهم‌ترین نکات مشاهده‌شده در مناظرات حضرت امام رضا علیه السلام، مقابله با اخبار جعلی و اسرائیلیات است؛ از جمله پاسخ آن حضرت به ابن جهم. او که نظر امام رضا علیه السلام درباره داستان جعلی و افسانه‌گونه‌ای که به حضرت داود علیه السلام نسبت داده را پرسید، با استناد به آیات قرآن و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داد و از عصمت پیامبران دفاع کردند. علی بن جهم از امام درباره داستان داود پرسید که گفته شده مشغول نماز بود که شیطان به صورت پرنده‌ای زیبا وارد شد؛ داود با دیدن آن نمازش را قطع کرد تا آن را بگیرد. آن پرنده داخل خانه او را - از فرماندهان داود - رفت. داود نیز به دنبال او و در آنجا چشمش به همسر او را افتاد و عاشق او شد. برای نیل به هدف خود به فرمانده و جانشین خود در سپاه دستور داد تا او را جلو بفرستد تا کشته شود و بعد از کشته‌شدن او با همسرش ازدواج کرد. امام رضا علیه السلام با شنیدن سخنان جهم دست خود را بر پیشانی زد و آیه استرجاع را تلاوت کرد و فرمود به پیغمبری از پیامبران الهی تهمت زده و نسبت ناروای بی‌توجهی به نماز و قتل دادید. امام رضا علیه السلام در ادامه روایت درست را بیان کردند و فرمودند آنچه سبب توبیخ حضرت داود شد، آن بود که در دعوی میان دو نفر که به حضور او رسیده بودند، سخن و ادعای یکی را شنید و دیگری را نشنید. دو ملک به صورت دو نفر نزد داود رفتند و یکی گفت برادرش نودونه گوسفند دارد و من یکی دارم و اکنون او می‌خواهد مال من را

۱. محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۸۱ - ۱۸۲.

۲. فضل بن حسن طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۴۰۱.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۴۰ - ۳۴۱.

نیز در اختیار بگیرد. داود بدون شنیدن سخن طرف مقابل حق را به او داد؛ بنابراین خداوند در قرآن کریم فرمود: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»^۱. بدین سان این روایت افسانه‌گونه را که از اسرانیلیات وارد شده در اخبار مسلمانان است، باطل شمردند.^۲

فضل امام رضا (ع) در قالب یک داستان

مرحوم حاج‌رضا انصاریان می‌گفت: در شب ولادت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام جلسه‌ای بود در مشهد که بانی آن جلسه نیتش این بود که بیش از صد نفر از سادات را دعوت کند. از من هم برای مدّاحی در آن جلسه دعوت شد. بعد از جلسه، مردم می‌گفتند: «اون قُمی از همه بهتر خواند». مجلس که تمام شد به بانی مجلس به شوخی گفتم: «آقای فلانی! ما می‌خواهیم بریم، پاکت ما را بده!» او هم با زبان شیرین مشهدی گفت: «برو آقا! اگر می‌خواستم پاکت بدم که شما رو دعوت نمی‌کردم!» در بین راه به حضرت زهرا علیها السلام عرض کردم: «بی‌بی جان! ما برای پول می‌خوانیم و برای ریا، شما کمک کنید که این خواندن ما فقط برای شما باشد». حال عجیبی پیدا کردم و با همان حال وارد منزل شدم. در عالم خواب دیدم از «بست بالا» به حرم امام رضا علیه السلام مشرف شدم؛ ناگهان دیدم وجود مقدّس حضرت رضا از «ایوان طلا» خارج شدند. تمام صحن نور بود. داخل صحن شدم. مثل اینکه من هم جزء کسانی بودم که باید خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض سلام می‌کردم؛ جلو رفتم و سلام عرض کردم. جواب فرمودند: «تو بودی که پاکت می‌خواستی؟!» عرض کردم: «بله یابن رسول الله» فرمودند: «دامت را بگیر» و سپس از دو دست مبارک‌شان، مثل یک آبشار سگّه سرازیر شد! و بعد هم فرمودند: «هرچه می‌خواهید، ما هستیم».

نمی‌توانم وصف کنم که چطور از خواب بیدار شدم! وقتی از خواب بیدار شدم، صدای مناجات و پیشخوانی اذان را از حرم شنیدم. وضو گرفتم و با همان حال به حرم حضرت رضا علیه السلام مشرف شدم. همان نقطه را که در خواب دیده بودم، بوسیدم و صورتم را متبرک کردم و به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: «آقا جان من را عفو کنید، من نفهمیدم که این حرف‌ها را زدم».^۳

۱. ص: ۲۶.

۲. محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹۴.

۳. <https://www.alef.ir/news/4000429039.html>.

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، باید گفت امام رضا علیه السلام با وسعت دانش و احاطه علمی بر مباحث مختلف در تعامل با پیروان فرقه‌های اسلامی به‌ویژه در مناظره و گفتگو با آنان ضمن رعایت اخلاق اسلامی و توجه به وضعیت روحی و حال مخاطبان، با آنان وارد گفتگو می‌شدند و برای اثبات ادعای خود ورد مدعای مخالفان، ضمن استناد به اصول مشترک مانند قرآن و سیره نبوی صلی الله علیه و آله، به استدلال عقلی و تصحیح باورهای ناصواب گروه‌های مختلف تأکید داشتند. چنان‌که در تصحیح باورهای علی بن جهم، سلیمان مروزی و حتی مأمون عباسی اقدام کردند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، ابومحمد حسین بن علی؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ ترجمه علی اکبر غفاری؛ تهران: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۰ ق.
۲. امین، محسن؛ سیره معصومان؛ چ دوم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۶ ش.
۳. صدوق، ابن بابویه محمد بن علی قمی؛ الخصال؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ چ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۴. _____؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ تصحیح مهدی لاجوردی؛ چ اول، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ش.
۵. طبرسی، فضل بن حسن؛ إعلام الوری بأعلام الهدی؛ چ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۷ ق.
۶. طبرسی، احمد بن علی؛ الاحتجاج علی اهل اللجاج؛ تحقیق محمدباقر خراسان؛ چ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۷. طوسی، محمد بن حسن؛ تهذیب الاحکام؛ تحقیق حسن خراسان الموسوی؛ چ چهارم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ چ اول، قم: انتشارات دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۹. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ چ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. مفید، محمد بن محمد؛ الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ چ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.